

## اثبات زوجیت در فقه و حقوق موضوعه

بهمن بدیع شاهد<sup>۱</sup>، محمد اصغری حسامیه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان

<sup>۲</sup> مدرس گروه حقوق قضایی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

### چکیده

زوجیت و اثبات آن یکی از دعاوی قابل طرح در دادگاه‌ها ی خانواده است. این دعوی که توسط یکی از زوجین احتمالی علیه دیگری مطرح می‌شود و از آن جایی که با توجه به مضمون روایت «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» هر کس مدعی حقی بر دیگری است باید ادعای خود را به مدد دلایل محکم به اثبات برساند که اثبات آن می‌تواند از بسیاری از مسائل از جمله زنا که در شرع مورد مذمت قرار گرفته جلوگیری نماید و همچنین اثبات آن برای طرفین آثار حقوقی و مالی فراوانی در پی خواهد داشت. مسئله زوجیت و اثبات آن از مسائل مهم در فقه و حقوق می‌باشد و در هر دو علم بحث در این است که زوجیت چگونه قابل اثبات است؟ و اینکه راهکارهای اثبات آن در ازدواج موقت کدامند؟ بررسی فقهی و حقوقی اثبات زوجیت از آن جهت حائز اهمیت است که آثار حقوقی فراوانی در علم حقوق خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن طرح اثبات زوجیت در فقه و حقوق، ادله اثبات آن را در فقه و حقوق مورد بازخوانی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که شخص مدعی که در صدد اثبات ادعای خود (زوجیت) می‌باشد، می‌تواند ادعای خود را با توجه به ادله ی اثبات دعوا که در فقه و حقوق در خصوص اثبات زوجیت می‌باشد به اثبات برساند که این ادله عبارتند از: شیع و اقرار و شهادت و سند و سوگند و اماره و قرعه.

واژه‌های کلیدی: نکاح، اثبات، دعوی، ادله، ادله اثبات دعوی.

## طرح مسأله

در دعاوی خانوادگی، دعاوی قابل طرح در محاکم می باشد که یکی از این دعاوی، دعاوی اصل نکاح و اثبات زوجیت است، که توسط یکی از زوجین احتمالی علیه دیگری طرح می شود. اصولاً هرکسی مدعی حقی بر دیگری است، باید ادعای خود را اثبات کند، که روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) با این مضمون (البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر) (عاملی، ج ۱۸، ص ۱۷۰)، مؤید این مطلب می باشد و ماده (۱۲۵۷) قانون مدنی نیز از این قاعده کلی بر گرفته شده است و ماده (۱۹۷) قانون آیین دادرسی مدنی نیز بر آن دلالت می کند. دعوی ازدواج نیز از همین قاعده پیروی می کند (دیانی، شماره ۴۲، ص ۳، ۱۳۸۲). معمولاً دعوی اثبات زوجیت در مورد مسائلی که تعیین رابطه زوجیت ما بین زن و شوهر مهم و با ارزش است طرح می شود. برای مثال در مورد مسئله ارث گاهی تعیین سهم الارث زن یا مردی که مدعی رابطه زوجیت با فرد متوفی می باشد بسیار مهم است. چون با اثبات این ادعا، میزان سهم الارث سایر وراثت به صورت قابل توجهی تغییر می یابد، لذا مشاهده می شود این دعاوی با این که از نظر عملی ممکن است کمتر از سایر دعاوی خانوادگی در محاکم خانواده مطرح شود، در بعضی موارد بسیار مهم و اساسی بوده و آثار آن برای اصحاب دعوا بسیار با اهمیت است. یکی دیگر از موارد طرح دعوی اثبات زوجیت در موارد کیفری متصور است. بارزترین مثال قابل بحث عناوین مجرمانه زنا، اعمال منافی عفت و رابطه نامشروع می باشد. در تمامی این جرایم اثبات یا عدم اثبات رابطه زوجیت بین زن و شوهر در تصمیم دادگاه و حکم صادره نقش بسیار مهمی دارد، این معنا که در بعضی از جرایم فوق اثبات رابطه زوجیت باعث تبرئه فرد متهم از اتهام انتسابی می شود (انتظاری، شماره ۳۴، ص ۷۳، ۱۳۸۴). همچنین یکی از مواردی که امروزه در دادگاه های خانواده بررسی می شود و موضوع بسیاری از دادخواست های را به خود اختصاص می دهد، اثبات زوجیت در ازدواج موقت است، در این موارد که خواهان معمولاً خانم ها هستند به دلیل ایجاد حمل یا تولد او و یا مطالبه ی مهریه اقدام به طرح دعوا با موضوع اثبات زوجیت می کنند. چرا که با اثبات این موضوع مرد موظف به پرداخت مهریه و نفقه فرزند و همچنین درخواست صدور شناسنامه برای فرزند می شود. هرچند که مرد در هنگام جاری شدن عقد موقت شرط بچه دار شدن زن را عنوان کرده باشد. بنابراین زن یا مردی که مدعی رابطه زوجیت هستند، باید ادعای خود را با استناد دلایل معتبر به اثبات برسانند. قبل از حوض در بحث لازم است که برخی از واژه ها در عنوان بحث را روشن کنیم:

### نکاح:

« نکاح در لغت به معنای مجامعت می باشد ». (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۹۷). « نکاح در لغت بنا بر مشهور به معنیوطیاست. پس استعمال آن در عقد و تزویج مجاز خواهد بود. و به قول بعضی حقیقت در عقد است از جهت کثرت استعمال آن در عقد ». (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۲، ص ۶۲۵).

« به قول برخی دیگر نکاح مشترک بین هر دو معنی است زیرا در هر دو استعمال شده و اصل در استعمال حقیقت است. و جمعی نیز گفته اند که نکاح در اصل به معنی التقاء است. گفته می شود «تناکح الجبلان اذا التقیا» ». (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۵).

در اصطلاح حقوقی می توان چنین تعریف کرد « نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده ای تشکیل می دهند ». (صفایی، امامی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

بعضی از حقوقدانان اسلامی نکاح را چنین تعریف کرده اند « نکاح عقدی است که به هر یک از زوجین حق استماع از دیگری را به وجه مشروع می دهد ». نکاح را ازدواج یا زواج هم می گویند. (همان).

« نکاح در اصطلاح عقدی است که به موجب آن مرد و زن لااقل بر نفی محرومیت جنسی (مانند نکاح منقطع احیاناً) یا علاوه بر نفی آن محرومیت به منظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی قانوناً با هم متحد می شوند ». (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۷۲۱).

## اقسام نکاح :

### ۱. نکاح دائم ۲. نکاح موقت

#### تعریف نکاح دائم :

« در صورتی که نکاح نامحدود و برای تمام مدت طول عمر زوجین باشد نکاح دائم است. افضل نکاح، ازدواج دائم است و فضیلت آن مشهور است ». ( انصافداران، ۱۳۸۸، ص ۱۶ ).

#### تعریف نکاح موقت :

« مُتَّعِه یا نکاح مُنْقَطِع یا ازدواج موقت که به صیغه نیز معروف است، نوعی از ازدواج در مذهب شیعه است که در آن عقد ازدواج برای مدت معین و محدودی با مهریه‌ای معلوم، بین زن و مرد بسته می‌شود و با پایان آن رابطه زوجیت خودبه‌خود منقضی می‌شود ». ( همان ).

**دعوا :** « دعوی در لغت اسم مصدر در ادعا و از ریشه دعو به معنی خواهانی، خواسته شده، طرح دعوا، خواستار شدن و طلب می‌باشد. بر حَسَبِ اصطلاح، « دعوی » اظهار ثبوت چیزی است که برای اظهار کننده یا کسی که در اظهار آن مأذون است، ثابت نباشد ». ( سنگلجی، ۱۳۸۲، ص ۵۷ ).

« در حقوق ایران تعاریف مختلفی از دعوا ارائه شده است از جمله دعوا عبارت است از عملی است که برای تثبیت صورت می‌گیرد یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد ». ( محمودی دشتی، ۱۳۷۳، ص ۶۲ ).

**اثبات :** اثبات بر وزن افعال، لفظ عربی از ریشه ی ثبت است. در فرهنگ المعجم الوسیط این گونه تعریف شده است : « استوار و ثابت شدن » ( انیس و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳ ) و نویسنده ی فرهنگ المنجد آن را چنین معنی کرده است : « ابرام، تأیید، گواه، قرار دادن، نوشتن، ثابت گردانیدن » ( معلوف، ۱۳۶۲، ص ۲۰۰ ) و صاحب المصباح المنیر آن را به معنای « دوام یافتن و مستقر شدن » بیان کرده است. ( فیومی، ۱۴۲۵، ه. ق، ص ۸۰ ). در اصطلاح فقهی مرحله ی علم به چیزی را مرحله ی اثبات آن چیز می‌نامند و اثبات در در مقابل ثبوت به کار می‌رود، اولی مرحله وجود ذهنی است دومی مرحله وجود خارجی البته باید این دو را از هم تفکیک نمود ». ( جعفری لنگرودی، دانش نامه حقوقی، ص ۸۰۶ ). از نظر اصطلاح علم حقوق، اثبات در دو مفهوم به کار گرفته می‌شود؛ اثبات به معنای عام آن اقامه ی دلیل بر حق یا بر واقعه ای از وقایع است و به معنای خاص اقامه ی دلیل نزد محکمه به طریقی است که شریعت در حقی یا واقعه ای معین مقرر کرده است که بر این اقامه دلیل اثار حقوقی مترتب می‌شود ». ( گلدوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۴ ).

**دلیل :** « دلیل در لغت عبارت است از: چیزی که از چیز دیگری خبر می‌دهد و آن چیز دیگر را نمایان می‌سازد، خواه لفظ باشد یا غیر لفظ، به قصد نمایاندن و خبر دادن از چیز دیگر باشد یا بدون قصد باشد ». ( مصطفوی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۳، ص ۲۳۵ ).

« واژه دلیل در ادب فارسی به معنی راهنما و رهبر و رهنمون است ». ( دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۹۷۳۵ و ۹۷۳۶ ). « با بهره گیری از همین مفهوم، « دلیل » را می‌توان « نمایان کننده » یا « نمایانده » نیز معنا نمود ». ( شمس، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۸۱ ). دلیل در اصطلاح علم حقوق عبارت است از امری که طرفین دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند. ( متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۴۸ ). بدین ترتیب دلیل در اصطلاح حقوقی معنی محدودی دارد و امری است که کاربرد آن، فقط در دادگاه است و زمان ظهور و تجلی آن همان زمان طرح دعوا یا دفاع است. ( مدنی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۵ ).

همچنین ادله در لغت جمع دلیل است و ادله اثبات دعوی عبارت است از : « آن چه از مقررات نوشته یا عرفی که در مقام اثبات امری از امور در مراجع قضائی به کار رود خواه آن امور از دعاوی باشد خواه نه مانند شهادت و امارات و قسم و سند و اقرار ( ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی ). چون غالباً این امور برای اثبات دعاوی به کار می‌آیند، آن ها را از باب تغلیب ادله اثبات دعوی گفته اند ». ( جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۲۳ ).

**اقرار:** ۱- خستوشدن، مقرر شدن، ۲- واضح بیان کردن، آشکار کردن، ۳- جادار کردن، بر جای داشتن. (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). اقرار از ماده (ق-ر-ر) و در لغت و عرف به معنای اقرار دادن، ثابت کردن و اعتراف کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۱، ص ۱۰۲). اقرار در لغت به معنای اعتراف کردن و اثبات چیزی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۵، ص ۲۲).

اقرار در اصطلاح فقه، اخبار قطعی به وجود حقی به زیان خود. (خوئی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲، ص ۱۹۶). یا ثبوت حقی برای دیگران آمده است. (تهانوی، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۱، ص ۲۴۶).

«ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی اقرار را با این عبارت تعریف میکند: اقرار عبارت از اخبار به حقی است، برای غیر به ضرر خود. این ترتیب از فقه اقتباس شده است، جز این که گروهی از فقیهان از جمله علامه حلی به سابق بودن حق موضوع اقرار و قضاوت تمالیک و اخبار به حق نیز تکیه کرده اند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۱).

**سند:** سند عبارت از نوشته ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. سند واژه ای دخیل از زبان عربی است. به طور خلاصه، می توان گفت که در زبان عربی واژه ی «السند» به معنای زیر به کار می رود: «آن قسمت از کوه که مقابل شخص قرار گیرد و از دامنه ی کوه بلند تر باشد، بالش، تکیه گاه، هر تعهد قانونی که به قراردادی مشترک متکی باشد، سند، تعهد نامه.» (جر، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۱۸).

«در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی و ماده ۳۷۰ به بعد آئین دادرسی مدنی، سند چنین تعریف شده است: سند عبارت است از هر نوشته که در مقام اثبات دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۳).

**شهادت:** «شهادت در لغت به معنای حضور و علم و اخبار از یقین است.» (نجفی، ۱۴۲۲ ه ق، ج ۱، ص ۱). «شهادت در لغت به معنی خبر قطعی، گواهی دادن، سوگند، شهادت در راه خدا، دنیایی که مشاهده می شود در قبال عالم غیب که مشاهده نمی شود، است.» (معلوف، ۱۳۶۲، ص ۴۰۶). فقهای شیعه شهادت را تکلیف دانسته اند و ادای شهادت را واجب دانسته اند. (محقق حلی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۸). و اجماع علماء بر آن است که ادای شهادت واجب کفایی است اما بعضی آن را واجب عینی دانسته اند (خویی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۱، ص ۱۳۹). «شهادت در اصطلاح حقوقی به معنای، اخبار از واقعه ای است، به سود یکی از دو طرف و زیان دیگری، که از سوی شخص ثالثی غیر از اصحاب دعوا بیان می شود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴).

**سوگند:** اقرار و اعترافی که شخص از روی شرف و ناموس خود می کند و خدا یا بزرگی را شاهد گیرد. (معین، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹).

«سوگند به معنای قسم و قسم در لغت به معنای جزء جزء کردن و بهره بردن است. قسم در اصل از قسامه بوده (یمین و سوگندی که بر اولیاء مقتول اداء می شود) به معنای حسن و جمال می باشد.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۲، ص ۴۷۸).

«قسم که معادل فارسی آن سوگند است ظاهراً در قدیم الایام به شربتی گفته می شد مرکب از عود و گوگرد و کمی طلا و برخی مواد دیگر که برای اثبات ادعا خورده می شد.» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

**اماره:** اماره در لغت به معنای نشان، نشانه، علامت است. (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). «در اصطلاح حقوقی، به موجب ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود. با توجه به این تعریف از اماره باید گفت که اماره امر معلومی است که در خارج به وسیله آن امر مجهولی که مورد ادعای ثالث است، ثابت می شود. لذا اموری که به وسیله امارات ثابت می گردند، معتبر شناخته شده است. زیرا امارات کاشف از واقع هستند. در حقیقت با توجه به معنای لغوی، امارات ادله تکمیلی اند که در عالم خارج وجود دارند و علامت یا نشانه وجود حقی برای صاحب آن می باشند. همچنین دلیل از طریق اماره، بیش از هر دلیل دیگری، غیر مستقیم است.» (شمس، ۱۳۹۴، ص ۳۶۶).

**قرعه:** در لغت به معنای ۱ - نصیب، بهره، سهم ۲ - قطعه ای کاغذ، چوب یا استخوان و مانند آن که به وسیله فال زدن با آن نصیب کسی را معین کنند. (معین، ۱۳۸۵، ص ۸۲۹). «در اصطلاح فقه و حقوق معنای قرعه روشن است و عبارت است از روشی که برای رفع تردید و تحیر و امکان تصمیم در جایی که ترجیحی در بین نباشد به کار برده می شود». (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

**شیاع:** ماده «شیع» از نظر لغوی در دو صیغه و ساختار یکی «شیاع» و دیگری «شاع» به کار رفته است، «شیاع، شایعه، شیاعا» به مفهوم تبعیت و پیروی کردن. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۸۸). «در فقه با استفاده از تعریف بعضی از فقها از شیاع در باب شهادت، می توان چنین فهمید که منظور، شایع شدن خبر به اندازه ای است که مفید ظن قوی و قریب به علم باشد». (وجدانی فخر، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۴۲۹).  
باتوجه به مطالبی که ذکر گردید؛ بنابراین زن یا مردی که مدعی رابطه زوجیت هستند، باید ادعای خود را با استناد دلایل معتبر به اثبات برسانند و در این تحقیق سعی شده است بحث زوجیت را با توجه به ادله اثبات دعوا مورد بررسی قرار دهیم.

### اثبات زوجیت به وسیله ادله اثبات دعوا

«دعای باب زوجیت بر مبنای و پایه هایی قرار گرفته که عبارتند از:

#### مبنای اوّل: اقرار:

اقرار مهم ترین دلیل اثبات در حقوق ما محسوب شده است و در اثبات زوجیت نیز می تواند محکم ترین دلیل به حساب آید. طبق ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی اقرار عبارت است از «اخبار به حقی برای غیر که به ضرر خود فرد باشد»، لذا در رابطه با موضوع مورد بحث اگر چنان چه مرد اقرار کند که شوهر خانم است برای اثبات زوجیت کافی است. به عنوان مثال در مواردی ادله و شرایط به گونه ای است که مرد مجبور به اقرار می شود. مثلاً اگر زوجه از زوج دارای فرزندی باشد و با روش های علمی و آزمایشگاهی این موضوع به اثبات برسد زوج مجبور به اقرار می شود. و از جمله مبنای در باب قضاء، «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» است که هم مضمون روایت و هم بنای عقلا و هم اجماع بر آن است

#### مبنای دوّم: «البیّنة علی المدّعی و الیمین علی من انکر»:

این قاعده نیز مسلّم و در روایات وارد شده است حال اگر مدعی از بیّنه عاجز بود منکر باید قسم بخورد.

#### مبنای سوّم: نکول از یمین:

اگر منکر حاضر به قسم نشد، نکول از یمین است و حاکم شرع از مدعی می خواهد که قسم بخورد، یا مدعی قسم می خورد و حق را به او می دهند و یا مدعی هم قسم نمی خورد که در این صورت دعوی ساقط می شود.

#### مبنای چهارم: یمین مردوده:

در جایی که مدعی بیّنه ندارد و منکر قسم یاد نمی کند ولی می گوید اگر مدعی راست می گوید قسم بخورد یعنی از مدعی مطالبه یمین می کند که یا مدعی قسم می خورد و حق را به او می دهند و یا قسم نمی خورد که در این صورت دعوی ساقط است». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه ق، ج ۱، ص ۱۳۷).

بنابراین:

**حالت اول:** اگر مردی ادعا کرد که فلان زن، همسر من است و او هم تصدیق کرد، یا چنان چه زن ادعا کرد که فلان مرد شوهر من است و او هم تصدیق کرد، به حکم ظاهری شرع حکم به زوجیت آن‌ها می‌شود. یعنی دیگران که از واقع خبر ندارند، موظفند که آن‌ها را زن و شوهر بدانند، حاکم شرع باید به زوجیت آن‌ها حکم کند.

**دلیل اول:** علتش این است که در این ادعا و تصدیق طرف مقابل، شخص دیگری ذی حق نیست تا به خاطر حق او نتوان حکم به زوجیت صادر کرد. این مسأله به این دو نفر مربوط می‌شود. هم چنان که اگر اختلاف داشتند. مسائل بینه و قسم مربوط به دو طرف دعواست مدعی باید بینه بیاورد و منکر باید قسم بخورد و قسم دیگری (به جز منکر) در این دعوا نقشی ندارد، در جایی هم که این دو طرف که حق بین آن دو مرد است با هم توافق داشته باشند، ادعا و انکار دیگر افراد در این موضوع نقشی ندارد.

**دلیل دوم:** دلیل دوم اقرار است چون هر دو اقرار کرده‌اند، اقرار هم نافذ است، زوجیت اثبات می‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳، ص ۹، زنجانی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۱۰، ص ۳۶۱۵).

در اینجا این دو محکوم به زوجیت هستند و آثار زوجیت جاری می‌گردد، به شرط این که احتمال صدق باشد، اگر یقین به کذب داشته باشیم (مثلاً می‌دانیم که زن یک ماه پیش طلاق گرفته است) پذیرفته نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه ق، ج ۱، ص ۱۳۷).

مرحوم امام (ره) می‌فرماید: هیچ کس نمی‌تواند به این زن و شوهر اعتراض کند. (خمینی، ۱۴۲۵ ه ق، ج ۳، ص ۴۴۹).

اما مرحوم آقای خویی می‌فرماید: دلیل اول برای اثبات مدعا تمام است اما دلیل دوم چون مبنای آن «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» می‌باشد و با آن تنها اموری را می‌توان ثابت کرد که بر ضرر شخص مقرر باشد نه هر حکمی از احکام نکاح را، لذا در این جا بر مرد با اقرار خود به زوجیت آن زن، تنها لزوم پرداخت مهر و حرمت ازدواج با خواهر و مادر و دخترش و حرمت ازدواج با دختر خواهر و دختر برادر بدون تحصیل اذن او که همه احکامی بر علیه اوست ثابت می‌شود و بر زن تنها حرمت ازدواج با پدر و پسر او و حرمت مسافرت و روزه مستحبی گرفتن بدون اذن او ثابت می‌شود و خلاصه هر حکمی از احکام نکاح که بر ضرر مرد یا زن باشد با این اقرار ثابت نمی‌شود، بنابراین وجه دوم تمام مدعای - ثبوت زوجیت و ترتیب کلیه احکام نکاح - را ثابت نمی‌کند. (خوئی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۸۱).

**حالت دوم:** اگر کسی ادعای زوجیت کند و طرف مقابل او آن را انکار کند، قواعد باب دعاوی جاری می‌شود؛ در این حالت مجموعاً شش صورت متصور است:

۱- مدعی اقامه بینه می‌کند:

در این صورت حکم به زوجیت شده و آثار بر آن مترتب می‌گردد.

۲- مدعی بینه ندارد:

در این صورت دومی بر نفی ادعا قسم می‌خورد و دعوی ساقط می‌شود.

۳- منکر قسم نخورد و نکول می کند :

در این صورت حاکم شرع از مدعی می خواهد که قسم بخورد و اگر ، قسم خورد ، زوجیت ثابت می شود .

۴- مدعی قسم نمی خورد :

در این صورت دعوی ساقط است و زوجیت ثابت نمی شود .

۵- منکر قسم را به مدعی رد می کند :

در این صورت اگر مدعی قسم بخورد، زوجیت ثابت می شود .

۶- مدعی یمین مردوده را نمی پذیرد :

در این صورت دعوی ساقط می شود . در این جا حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم که حدیثی معتبر و مشهور است :

\* ... عن هشام بن الحكم عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إنما أفضى بينكم بالبينات و الأيمان و بعضكم ألحن بحجته من بعض فأیما رجل قطع له من مال اخيه شيئاً فأنما قطعت له به قطعةً من النار . (مکارم شیرازی ، ۱۴۲۴ ه ق ، ج ۱ ، ص ۱۳۸) .

اگر یکی از آن ها ادعای زوجیت کند و دیگری آن را انکار نماید بینه بر مدعی و قسم بر انکارکننده است ؛ پس اگر مدعی بینه داشته باشد به آن حکم می شود و گرنه قسم متوجه منکر می شود ، پس اگر قسم بخورد ادعای مدعی ساقط می شود و اگر نکول کند حاکم شرع قسم را به مدعی برمی گرداند پس اگر قسم بخورد ، حق ثابت می شود و اگر نکول کند ساقط می شود . و همچنین اگر منکر آن را بر مدعی رد نماید و قسم بخورد ثابت می شود و اگر نکول کند ساقط است . و این به حسب موازین قضاوت و قواعد ادعا است و اما به حسب واقع بر هر یک از آن ها واجب است که به تکلیفشان بینه و بین الله تعالی ، عمل نمایند . (خمینی ، ۱۴۲۵ ه ق ، ج ۳ ، ص ۴۴۹) . اگر بر اساس اقرار و توافق زن و مرد حکم به زوجیت آن ها شد و یا اگر بر اساس قواعد باب دعاوی با یمین منکر حکم به عدم زوجیت شد آن دو به حسب ظاهر موظف به رعایت حکم قاضی هستند و حاکم هم آن ها را مجبور به رعایت آن می کند ولی خودشان اگر حکم حاکم را بر خلاف واقع بدانند باید مراعات واقع امر را بکنند مثلاً اگر در جایی که حاکم حکم به زوجیت کرده خودش می داند همسر آن مرد نیست نباید به او تمکین کند و یا در جایی که حاکم حکم به عدم زوجیت کرده و او می داند همسر اوست نباید به دیگری شوهر کند چون حکم واقعی یعنی حرمت این کار با حکم ظاهری حاکم تغییر نمی کند . (نجفی، کاشف الغطاء ، ۱۴۲۲ ه ق ، ج ۱ ، ص ۱۰ و زنجانی ، ۱۴۱۹ ه ق ، ج ۱۰ ، ص ۳۶۲۲) .

در خصوص اثبات زوجیت به وسیله قرائن و امارات باید گفت که شمارش تعداد قرآینی که دادرسان می توانند با استناد آن ها اماراتی استنباط کنند و وجدان خود را قانع کنند غیر ممکن است . هر چیزی می تواند قرینه محسوب شود .

## امارات حاصل از مدارک مختلف

امارات ممکن است از اسناد و مدارک مورد ابراز اصحاب دعوا حاصل شود و دادرسی می تواند در صدور رأی از آن ها استفاده کند .

دفاتر یادداشت ، نامه های خصوصی می تواند به عنوان قراینی محسوب شوند و مبنای اماره قرار گیرند و اگر در موردی دلیلی ضعیف یا ناقص باشد آن را تقویت یا تکمیل کنند . اما این اماره نباید از قراینی استنباط شوند که با خود سند در یک جا باشد ، بلکه باید از آن جدا باشد تا بتواند به یاری آن سند بیاید . ( صدرزاده افشار ، ۱۳۷۹ ، ص ۱۸۶ ) .

## امارات مستنبط از وضعیت یکی از اصحاب دعوی

از وضعیت اصحاب دعوی غالباً اماراتی ممکن است به وسیله دادرسی استنباط شود . مثلاً چنان که زنی بر مردی دعوی زوجیت بنماید و نفقه چهارماه اخیر خود را مطالبه کند .

بدین شرح : که سه سال قبل شفهاً خوانده ( مدعی علیه ) مرا به نکاح دائمی خود درآورد و همیشه با یکدیگر در یک منزل که خوانده اجاره کرده بود زندگانی نموده ایم و در محافل عمومی و خصوصی خانوادگی هم به عنوان زن و شوهر می رفتیم و وضعیت اجتماعی مرد هم طوری نیست که بدون ازدواج در محافل عمومی و خصوصی علناً با من برود و چهار ماه است خانه را ترک نموده و نفقه مرا نمی دهد .

خوانده ( مدعی علیه ) در پاسخ منکر زوجیت خواهان ( مدعی ) گردد . دادرسی پس از رسیدگی به این امر و به موقعیت اجتماعی مرد و آمیزش آن زن و مرد بایکدیگر در محافل و مجالس عمومی تشخیص وجود زوجیت بین آن دو خواهد داد و حکم به تأدیه نفقه چهار ماه می دهد .

این اوضاع و احوال خارج به نظر دادرسی می تواند دلیل بر وجود زوجیت قرار گیرد و دادگاه خوانده مردی لایبالی باشد و آمیزش آن دو اماکن عمومی و محل تفریح خوش گذرانی باشد . چنین عقیده برای دادرسی پیدا نمی شود . زیرا در محیط اشخاص لایبالی راستگو و روابط آزاد بسیار است .

اماره قضایی مادامی می تواند دادرسی را به امر مجهولی که مورد دعوی می باشد راهنمایی نماید و آن را اثبات کند که دلیل خلاف آن اقامه نشود . زیرا با ابراز دلیل خلاف آن دادرسی نمی تواند به آن چه اماره قضایی او را راهنمایی نموده قطع حاصل نماید .

مثلاً در مثال بالا دعوی زوجیت زن و مرد ، هرگاه مرد نامه ای به خط زن ارائه دهد که در آن زن وضعیت گذشته خود را شرح داده و متذکر شده است که ادامه زندگی به این صورت بدون زناشویی در مقابل خداوند پسندیده نیست و درخواست کند که مرد او را ترک کند و یا با او ازدواج بنماید .

در این صورت علاوه بر آن که اوضاع و احوال خارج ایجاد قطع به وجود زوجیت برای دادرسی نمی نماید با توجه به مفاد نامه بالعکس قطع پیدا می کند که زوجیتی نبوده است و لذا زن را در ادعای خود محکوم می نماید . از دیگر موارد اماره مستنبط از وضعیت یکی از اصحاب دعوی این است که مثلاً اگر کسی که خط یا امضاء یا اثر انگشت سند به او نسبت داده شده در حال حیات باشد ممکن است او را برای استکتاب ( وادار به نوشتن مطلبی کرده برای تطبیق خط یا اثر انگشت یا امضاء ) احصاء نمود . عدم حضور یا امتناع از کتابت بدون عذر موجه را در این مورد دادگاه می تواند قرینه صحیح سند قرار دهد . ( شمس ، ۱۳۹۴ ، ج ۳ ، ص ۲۱۰ ) .



### امارات مستنبط از وسایل فنی نوین

فن آوری نوین به ویژه در ادله اثبات دعوی هر روز مسائل تازه ای مطرح می کند. وسایل فنی نوینی که آسانی می توان به مدد آن ها از امور مادی ساده تهیه دلیل کرد عبارتند از دستگاه ضبط صوت - عکس برداری - فیلم برداری - و غیره که قانون گذار هنوز برای آنها قواعد خاصی وضع نکرده و آن ها را صراحتاً به عنوان ادله اثبات دعوی نپذیرفته است. ولی می تواند جز امارات یا قراین به شمار آید. البته دقت کرد که از وسایل مزکور دلایل تصنعی تهیه نشود تا سبب سوءاستفاده نشود. چه همان طور که گاهی در اسناد تقلب و تصنع به کار می رود. در مورد وسایل مذکور نیز انجام آن مقدور است. معمولاً تشخیص صحت و سقم موارد فوق احتیاج به تشخیص فنی دارد تا که دادرس معمولاً فاقد آن است که در این صورت به کمک کارشناس فنی تشخیص داده می شود. (امامی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۲۲۳).

### اعمال قرعه در اثبات زوجیت

ابتدا باید گفت که استفاده از قرعه در مرحله پایین از فیصله دادن تخاصم و دعوا است؛ بدین معنی که دادرس در صدور حکم ابتدا به دلایل برتر از جمله سند، اقرار، شهادت و غیره مراجعه می کند و در صورت عدم وجود آن ها و یا تساوی در بینه سپس به قرعه عمل می نماید.

مثلاً اگر زنی دو مرد را برای تزویج وکالت دهد و هر کدام از آن ها، آن زن را برای مردی تزویج کند، اگر هر کدام از زوج ها ادعای جلو بودن عقدش را بنماید، سپس اگر زوجه بگوید نمی دانم، دعوی بین دو زوج می باشد، بنابراین اگر یکی از آن دو (نه دیگری) اقامه بینه نماید، به نفع او حکم می شود و زوجه از آن اوست. و اگر هر کدام از آن ها اقامه بینه نماید هر دو بینه تعارض می کند، پس به قرعه رجوع می شود، و به زوجیت زن برای کسی که قرعه به نام او در آمده حکم می شود.

و اگر بینه نداشته باشند قسم متوجه هر دو زوج می شود؛ پس اگر یکی از آن ها قسم بخورد به نفع او حکم می شود و اگر هر دو قسم بخورند و یا هر دو نکول نمایند به قرعه رجوع می شود. (خمینی، ج ۲، ص ۲۳۳).

و اگر زن یکی از آن ها را تصدیق نماید کسی که زن او را تصدیق نکرده یکی از دو طرف دعوی می شود و طرف دیگر زوج دیگر به زوجه است. پس با اقامه بینه از یکی از دو طرف به نفع او حکم می شود و اگر هر دو طرف بینه داشته اند، هر دو بینه تعارض می کند پس به قرعه رجوع می شود. اما اگر بینه نباشد و منتهی به قسم گردد، پس اگر زوجی که زن او را تصدیق نکرد قسم بخورد و به نفع او بر زوجه و زوج دیگر حکم می شود. اما اگر زوجی که زن او را تصدیق کرده، قسم بخورد، رفع دعوی زوج بر زوجه، بر او مترتب نمی شود بلکه باید زن هم قسم بخورد. (همان، ص ۲۳۴).

هرگاه مردی ادعای ازدواج با زنی را بنماید و خواهر وی نیز ادعا کند که همسر آن مرد است و هر دو مدعی، شاهدهی برای صحت ادعای خود بیاورند مشهور فقها بر آنند که سخن مرد پذیرفته می شود (محقق حلی، ص ۵۰۱). گروهی نیز آن را مسکوت گذاشته اند. (الجبعی العاملی، بی تا، ص ۱۶۳). اما برخی از فقها که اقلیت را تشکیل می دهند اعتقاد دارند که شرایط اجرای قاعده قرعه در اینجا فراهم است و چنین استدلال می کنند که ترجیح یک دلیل بر دلیل در اینجا محقق است و می توان برای فصل خصومت به دلیل قرعه روی آورد (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ص ۱۶۲).

**شهادت به نکاح به استناد شیع:** ثبت در دفترخانه و تنظیم سند رسمی و یا حتی عادی و همچنین شهادت شهود از شرایط ماهوی صحت ازدواج به شمار نمی آید، پس برای اثبات زوجیت به شیع روی آورده می شود. در شیع شهود یا مخبرین بر اصل رابطه زوجیت شهادت نمی دهند. زیرا اگر ایشان شاهد اصل وقوع رابطه زوجیت باشد، یا دو شاهد نیز رابطه زوجیت را به اثبات می رساند. در شیع قائلین به وقوع رابطه زوجیت اطمینان پیدا کرده اند ولی مستند علم آنها علم حسی که از مشاهده

یا استماع وقوع عقد بدست آمده باشد نیست، بلکه ایشان از وقوع برخی آثار زوجیت پی به وقوع این رابطه برده اند. (دیانی، ۱۳۸۲، شماره ۴۲، ص ۷).

در این زمینه فقها دو دسته اند: برخی اعتقاد دارند شاهی که به نکاح و رابطه زوجیت بین دو شخص شهادت می دهد، می تواند مستند شهادتش را شیاع رابطه زوجیت بین دو نفر قرار دهد، اما در مقابل، این عقیده وجود دارد که به استناد نمی توان به نکاح شهادت داد، بلکه شهادت به نکاح به استناد تواتر جایز است.

در مقابل گروهی معتقدند، شهادت به نکاح به استناد شیاع جایز است، زیرا ما قضاوت می کنیم که حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر است، همانگونه که قضاوت می کنیم حضرت خدیجه مادر حضرت فاطمه (س) است. و همانطور که نسب به موجب شیاع ثابت می شود و شهادت به نکاح به استناد شیاع نیز جایز است. و فرقی میان این دو وجود ندارد. رابطه زوجیت به موجب تواتر ثابت نمی شود، زیرا در تواتر شنیدن باید مستند به محسوسات باشد، در حالی که در اینجا خبردهندگان از مشاهده عقد پیامبر یا اقرار پیامبر بر رابطه زوجیت خبر نمی دهند، بلکه نقل طبقات و خبردهندگان متصل به طبقه اول است و طبقه اول نیز از استفاضه خبر می دهند نه از محسوسات خود. (محقق حلی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۰، طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۶۱۱).

در فقه گروهی عقیده دارند شهادت به نکاح به استناد تواتر جایز است نه به استناد شیاع، زیرا زوجیت همسران پیامبر (ص) از طریق تواتر اثبات شده است و کسانی که به زوجیت همسران پیامبر شهادت می دهند از مشاهده عقد یا از اقرار پیامبر (ص) بر رابطه زوجیت خبر می دهند (علامه حلی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۵۵۱، اصفهانی، محمدبن حسن، ۳۴۵). زیرا طبقه اول از مشاهده کنندگان متعاقدان و از شنوندگان عقد بوده اند و از دیدن و شنیدن خبر می دهند. زیرا پیامبر (ص) در آن زمان از بزرگان قریش بوده و حضرت خدیجه (س) و پیامبر (ص) در مسجد الحرام در میان جمع کثیری از مردم که بغداد آنها از عدد معقب در تواتر نیز بیشتر بود. خوانده شده است. پس شهادت نکاح پیامبر (ص) به موجب تواتر بوده نه شیاع و استفاضه. (زین الدین عاملی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۰، طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۸ ه ق، ۳۶۸، ۳۹۹).

شهادت به نکاح به استناد شیاع علمی جایز است، بنابراین که شیاع به طور مطلق در شهادت معتبر است. از سوی دیگر جلالت و شهرت امری مقتضی این نیست که ما به آن امر از طریق تواتر علم پیدا کرده باشیم و آن را مشاهده کرده باشیم، همان طور که در مورد ازدواج فرزندان پادشاه معلوم نیست که مشاهده کنندگان عقد به حد تواتر برسند پس این ادعا که شهادت به نکاح به موجب تواتر است، نه شیاع پذیرفته نیست، و باید گفت که امر ازدواج آن قدر مشهور و شایع می شود که از آن شیاع، افاده علم می شود و به استناد شیاع علمی نیز می توان بر نکاح شهادت داد، حتی اگر شرایط تواتر در شیاع جمع نباشد و حتی زنان پیامبر و نکاح آنان و فرزند فاطمه (س) تواتر است. این تواتر بر اساس شیاع است؛ (نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، ج ۴۱، صص ۱۴۷-۱۴۸).

دیدگاه دیگر می گوید بین قضاوت طبق شیاع و شهادت به استناد شیاع تلازم است و وقتی قضاوت طبق شیاع جایز باشد، شهادت به استناد شیاع نیز جایز است. علاوه بر این نه تنها در ازدواج پیامبر (ص) با حضرت خدیجه (س) متواتر بودن تعداد حاضران معلوم نیست در مورد سایر همسران پیامبر نیز چنین است و حاضران متواتر نیستند و در ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه در این مورد خصوصیتی ندارد، بلکه در کل ازدواج، قضاوت طبق شیاع و شهادت به استناد شیاع و استفاضه می باشد، نه تواتر. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه ق، صص ۲۴۰-۲۴۱).

#### معاشرت و مساکنت در اثبات زوجیت:

«در فقدان دلیل اثباتی دیگر جهت اثبات رابطه زوجیت، می توان به معاشرت و مساکنت زوجین تحت سقف واحد اشاره نمود. منظور از معاشرت و مساکنت، «همزیستی زن و شوهر وار» و «هم سکناپی زن و شوهر گونه» در محل واحد است. در این ارتباط

باید رفتار متقابل دو نفر زن و مرد به گونه ای باشد که زوجه ها و شوهرها دارند مثلاً با همدیگر خلوت تام داشته و سخنان خصوصی و خیلی دوستانه بین آنها رد و بدل شود». (دیانی، ۱۳۸۲، شماره ۴۲، صص ۷-۸).

وقتی در محاکم شرع، دعوای «زوجیت» مطرح می شود و ممکن است که مدعی ادعا کند که آن دو با هم معاشرت داشته اند و در یک محل زندگی می کرده اند، همان گونه که زوج و زوجه زندگی می کنند و بر مدعی خود شهادتی هم می آورند؛ آیا در چنین شرایطی زوجیت ثابت می شود یا نه؟

اسخ این است که حمل معاشرت زن و مرد بر صحت، وجود عقد را ثابت نمی کند اما اگر به وجود عقد علم داشته و در صحت آن شک داشته باشیم بی تردید عقد را بر صحت حمل می کنیم. به هر حال معاشرت به تنهایی چیزی را ثابت نمی کند اما اگر به سبب دیگری عقد ضمیمه شود می تواند مؤید باشد. حکم چنین موردی به نظر قاضی بررسی و اطمینان او، بستگی دارد به شرط آن که معاشرت را سند و دلیل مستقلی برای حکم خود قرار ندهد. (مغنیه، ۱۳۷۹، ص ۳۷).

### راه کارهای اثبات ازدواج موقت

با توجه به این که شرع بر جواز ازدواج موقت دلالت دارد و تمامی احکامی که درباره ی ازدواج دائم وجود دارد در ازدواج موقت نیز جاری است، مگر احکامی که قهراً با نکاح دائم تفاوت دارد، از قبیل نامحدود بودن تعداد زوجات و نصاب آن ها، طلاق وجود ندارد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند مگر این که توارث را شرط کرده باشند و شرط اضافه تر این است که باید مدت آن معین شده و مهریه نیز ذکر شود. با توجه به مطالب گفته شده و از آن جایی که برابر ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده ثبت ازدواج موقت در سه صورت الزامی است: ۱- بار دار شدن زوجه ۲- توافق طرفین ۳- شرط ضمن عقد، بنابراین در صورتی که راجع به اصل نکاح منعقد شده اختلافی در بین نباشد می توان الزام طرف ازدواج (زوج یا زوجه) را به ثبت ازدواج موقت (در موارد مصرحه قانونی) از دادگاه در خواست نمود. اما چنان چه اصل عقد به طور رسمی ثبت نشده باشد و یکی از زوجین منکر وجود رابطه زوجیت باشد، طرف مقابل به طرح دعوی اثبات زوجیت می پردازد. بنابراین براساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: «هرکس مدعی حقی است باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر برعهده ی اوست».

این ماده در رابطه با موضوع مورد بحث به این معناست که هرکس ادعای زوجیت کند، باید این ادعای خود را با دلیل اثبات کند. در مورد اثبات زوجیت بند دال ماده ۲۳۰ آئین دادرسی مدنی به طور خاص به این موضوع پرداخته و علاوه بر آن ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی در رابطه با اثبات هر دعوایی است که طبق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی «دلایل اثبات دعوا از قرار ذیل است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم» می توان زوجیت را به اثبات رساند.

باید توجه داشت که دلایل گفته شده در رابطه با اثبات زوجیت به ترتیب از درجه اهمیت برخوردارند به این معنا که اول اقرار بعد از آن سند سپس شهود بعد از آن اماره و اگر هیچ کدام از دلایل اثبات وجود نداشت، طرف منکر می تواند با قسم یاد کردن خود را از این ادعا مبرا کند. بنابراین تمام مواردی که در خصوص اثبات ازدواج دائم بیان شد، می تواند در ازدواج موقت نیز مؤثر و آن را به اثبات رساند.

نکته آخر اینکه در بعضی موارد هیچکدام از دلایل گفته شده قابل ارائه به دادگاه نیست چرا که ازدواج موقت در فرهنگ ایرانی امری غیر مرسوم شمرده می شود در نتیجه معمولاً ازدواج های موقت به صورت مخفیانه صورت می گیرد لذا طرفین می بایست با آگاهی نسبت به حقوق متقابل خود در این نوع از عقود که شارع مقدس با هدف پیشگیری از وقوع و رواج مفاسد در سطح جامعه در نظر گرفته، شرایط تعهد و پایبندی خود را به آن، رعایت کنند.

## نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق، اثبات «زوجیت» در فقه و حقوق موضوعه بوده که برای تحقق هدف فوق در مجموع شش سؤال طراحی و تدوین گردید، که پس از مطالعه و بررسی های پیشینه تحقیق در نهایت نتایج نشان داده اند که: زن یا مردی که مدعی رابطه ی زوجیت هستند می توانند برای اثبات زوجیت از همه ی دلایل اثبات دعوی استفاده کنند که می توان ادله اثبات دعوی را این گونه معرفی نمود:

۱. اقرار مهم ترین دلیل اثبات در حقوق ما محسوب شده است و در اثبات زوجیت نیز می تواند محکم ترین دلیل به حساب آید، بنابراین اقرار در صورت اثبات در محضر دادگاه با رعایت تشریفات خاص آن یکی از ادله اثبات زوجیت محسوب می شود.

۲. اسناد رسمی: که عبارتند از شناسنامه و سند نکاحیه: امروزه با رؤیت شناسنامه که سند رسمی محسوب می شود زوجیت امکان پذیر است، یا با ارائه سند نکاحیه. در مواردی که یا سند رسمی دال بر تعیین زوجیت موجود نباشد یا دسترسی به آن ممکن نباشد یا در صحت آن شک باشد می توان با اخذ استعلامی از اداره ثبت احوال محل هر گونه سابقه تأهل طرفین را مشخص نمود.

۳- شهادت شهود: امروزه در هنگام ازدواج به ویژه در زمان ثبت آن حضور شهود الزامی است. بنابراین شهادت شهود در زمان نیاز یکی از مهم ترین و کاربردی ترین ادله ی اثبات دعوی خواهان یا وسیله ی دفاع خواننده از دعوی مطروحه علیه وی است.

۴. سوگند: سوگند نیز اگرچه از ادله ضعیف تر می باشد، اما به وسیله ی آن هم می توان رابطه ی زوجیت را اثبات نمود. و در صورتی نوبت به سوگند به عنوان دلیل می رسد که مدعی زوجیت بینه نداشته و منکر قسم می خورد و دلیلش عموم حدیث «البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر» است؛ پس اگر منکر قسم خورد حکم به عدم زوجیت و نیز عدم آثار آن در ظاهر می شود.

۵. همچنین قرائن و امارات می تواند در اثبات زوجیت مؤثر واقع شود، که این قرائن و امارات ممکن است از اسناد و اماراتی که اصحاب دعوا ارائه می دهند حاصل شود و دادرس در صدور رأی از آن ها استفاده کند. البته شاید بهترین ادله اثبات دعوی را بتوان در شرایط اجتماعی فعلی رجوع به اسناد و یا شهادت شهود دانست.

۶. استفاده از قرعه در مرحله پایین از فیصله دادن به تخاصم و دعوا است؛ بدین معنی که دادرس در صدور حکم ابتدا به دلایل برتر از جمله سند، اقرار، شهادت و غیره مراجعه می کند و در صورت عدم وجود آن ها و یا تساوی در بینه سپس به قرعه عمل می نماید.

۷. یکی از ادله اثبات دعوی در فقه، شیع یا استفاضه است، که در خصوص اثبات امور و یا دعاوی ویژه ای کاربرد دارد. در شیع شاهد یا مخبرین به اصل رابطه زوجیت شهادت نمی دهند، زیرا اگر ایشان شاهد اصل وقوع رابطه زوجیت باشند، با دوشاهد نیز می توان رابطه زوجیت را به اثبات رساند.

۸. در خصوص اثبات زوجیت به وسیله ی معاشرت و مساکنت، به هر حال معاشرت به تنهایی چیزی نیست، ولی اگر به سبب دیگری پیوست آن را تأیید و تقویت میکند، در اینجا بستگی به نظر و اطمینان و اندازه اعتماد قاضی دارد به شرطی که معاشرت را سند مستقلی برای حکم خود قرار ندهد. با توجه به مقررات قانون آئین دادرسی مدنی به نظر می رسد این دلایل در حال حاضر کمتر قابل استناد می باشند.

همچنین بررسی های به عمل آمده در خصوص راه کارهای اثبات ازدواج موقت این را نشان می دهد تمام مسائلی که در خصوص اثبات ازدواج دائم مطرح شد در این جا نیز کاربرد و مؤثر است و این دعوا را نیز با توجه به ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی که در رابطه با اثبات دعوا است، به اثبات رساند. قابل ذکر است که قانونجدیدحمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت را، برابر ماده ۲۱، فقط در موارد ذیل الزامی دانسته است:

۱. باردار شدن زوجه

۲. توافق طرفین

۳. شرط ضمن عقد

بنابراین در موارد دیگر ثبت نکاح موقت الزامی نیست و عدم ثبت ضمانت اجرای مدنی یا کیفری ندارد و این امر قابل انتقاد به نظر می رسد. شایسته است ثبت نکاح موقت نیز مانند نکاح دائم به طور مطلق الزامی باشد، تا اثبات آن در صورت بروز اختلاف، آسان و حقوق و تعهدات طرفین مشخص باشد و از پنهان کاری (که به زبان خانواده است) و طرح دعاوی واهی راجع به آن تا حدی جلوگیری شود.

علاوه بر این می توان دریافت که اثبات عقد اگر با شریفات همراه نباشد دشوار است و به همین دلیل اشخاص دور اندیش برای حفظ حقوق خود سعی می کنند تا نکاح را نزد مأمور رسمی واقع سازند، به اضافه قانون گذار نیز زن و شوهر را مکلف به ثبت نکاح کرده است. هرچند ادله اثبات زوجیت از نظر کمی همانند ادله اثبات سایر دعاوی می باشد اما از نظر کیفی متفاوت و بعضاً اختصاصی است چرا که اثبات زوجیت جنبه غیر مالی نکاح است، اگر چه جنبه مالی آن همچون نفقه، مهریه و ارث نیز ثابت می شود.

## منابع

۱. امامی، سید حسن، ۱۳۸۴، حقوق مدنی، جلد ششم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه
۲. انتظاری، علیرضا، ۱۳۸۴، ادله اثبات دعوا در دعاوی خانوادگی، مجله پژوهش های مدیریت راهبردی، شماره ۳۴، ص ۴۹ تا ۷۹
۳. انصافداران، محمد رضا، ۱۳۹۳، قوانین و مقررات خانواده در نظام حقوقی ایران و رویه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، آشنایی با حقوق خانواده، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه جنگل
۵. جعفری لنگرودی محمدجعفر، ۱۳۹۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هشتم، تهران، گنج دانش
۶. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۷۹، معارف و معاریف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، چاپ سوم، تهران، جلد دهم، انتشارات آرایه
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، جلد هفتم
۸. دیانی، عبدالرسول، ۱۳۸۲، اثبات زوجیت، مجله کانون، شماره ۴۲، ص ۳۰۷
۹. سنگلچی، محمد، ۱۳۷۹، آئین دادرسی در اسلام، چاپ اول، قزوین، نشر طه
۱۰. صدرزاده افشار، سید محسن، ۱۳۷۹، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، دادگاه های عمومی و انقلاب، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاهی (ماجد)
۱۱. صفایی، سید حسین، امامی، اسد الله، ۱۳۹۴، مختصر حقوق خادواده، چاپ چهل و یکم، تهران، نشر میزان

۱۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۳، دوره حقوق مدنی ( خانواده )، چاپ هفتم، دانشگاه تهران، نشر میزان
۱۳. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸، ادله اثبات دعوا، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان
۱۴. متین دفتری، احمد، آئین دادرسی و بارزگانی، ۱۳۸۱، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد
۱۵. محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۹، قواعد فقه، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت
۱۶. محمودی دشتی، علی اکبر، ۱۳۷۳، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، قم، مجمع الفکر الاسلامی
۱۷. معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات هنرور
۱۸. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه ق، لسان العرب، جلد چهارم، چاپ سوم، قم، نشر دارالفکر
۱۹. اصفهانی، بهاء الدین محمد بن حسن، ۱۴۱۶ ه ق، کشف اللثام، جلد اول، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۰. اویس، معلوف، ۱۳۶۲، المنجد، چاپ نهم، تهران، انتشارات اسماعیلیان
۲۱. تهبانوی، محمد علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ۱۳۷۵، جلد اول، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون
۲۲. الجبعی عاملی، زین الدین، بی تا، الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد پنجم، قم، مکتب الدامری
۲۳. الجبعی عاملی \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ ه ق، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ پنجم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه
۲۴. الجبعی عاملی، ( شهید اول )، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ ه ق، اللمعه دمشقیه، بیروت، دارالتراث - الدار الاسلامیه
۲۵. الجبعی عاملی، ( شهید اول )، ۱۴۱۰ ه ق، القواعد و الفوائد، قم، نشر دارالفکر
۲۶. جر، خلیل، فرهنگ عربی - فارسی ( ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث )، تهران، امیر کبیر
۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام
۲۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدس، ۱۴۱۳ ه ق، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۲۹. زنجانی، سید موسی شبیری، ۱۴۱۹ ه ق، کتاب النکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز
۳۰. طباطبائی، سید علی، ۱۴۱۸ ه ق، ریاض المسئل فی تحقیق الاحکام بدلائل، جلد پانزدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت
۳۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۳۷۸، المبسوط فی فقه الاسلامیه، چاپ سوم، قم، المکتبه المرتضوی لاحیاء الآثار الجعفریه
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ه ق، کتاب العین، جلد دوم، چاپ دوم، قم، نشر هجرت
۳۳. لوئیس و همکاران، ۱۳۸۴، فرهنگ المعجم الوسیط، عربی - فارسی، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۳۴. مصطفوی، سید حسن، ۱۴۰۴ ه ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج سوم، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۴ ه ق، کتاب نکاح، چاپ هشتم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب
۳۶. مغنیه محمدجواد الفقه الامام الصادق ( ع )، جلد ششم، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۵ ه ق، تحریر الوسیله، جلد سوم، چاپ بیست و یکم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۸. منجفی، صاحب جواهر، محمد حسن، ۱۴۰۴ ه ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی

۳۹. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، ۱۴۲۲ ه ق، کاشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، چاپ هشتم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۴۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ ه ق، منهاج الصالحین، چاپ ۲۸، قم، نشر مدینه العلم

# Proof of Being Couples in Jurisprudence and Substantive Law

Bahman Badi Shahed<sup>1</sup>, Mohammad Asghari Hesamieh<sup>2</sup>

1. *M.A in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Semnan*

2. *Lecturer of the Department of Law, Islamic Azad University, Branch of Zahedan, Zahedan, Iran*

---

## Abstract

Being couples and how to prove it is one of the claims made in the family courts by one of the couples against the other, and according to a Qur'anic Verse, anyone claiming to have a right over another needs to prove their claim with strong reasons and evidence, and such a proof can prevent from a lot of crimes such adultery, which have been blamed and prohibited in the Islamic law and can have many legal and financial effects for both parties.

This issue and its proof is of great importance in jurisprudence and law, both discussing how to prove it in permanent marriage and temporary marriage. The legal and judicial discussions on how to prove this claim is important in that it will have many legal effects in law. This article focuses on how to prove this important issue in the Jurisprudence and law and revisits the demonstrative evidence on how to prove it in the Jurisprudence and law, coming to the conclusion that the claimant who seeks to prove his or her own claim (being a couple to another) can prove it using the following demonstrative evidence raised in the Jurisprudence and law concerning this proof: common talk, confession, testimony, documents, oath, presumption, and lot.

**Keywords:** Marriage, Proof, Claims, Evidence, Demonstrative Evidence

---